

انترناسیونال هفتگی

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی
www.haftegi.com

۷۳

۶ مهر ۱۳۸۰

۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱

جمعه ها منتشر میشود

سومین کنفرانس مدوسا

۲۶ تا ۲۸ اکتبر ۲۰۰۱

صفحه ۳

به حزب کمونیست
کارگری ایران
کمک مالی کنید

انجمن مارکس لندن

شنبه ۶ اکتبر
کوروش مدرسی

صفحه ۳

رادیو انترناسیونال

۲۵ متر

۱۱۶۳۵ کیلو هرتز

۹ تا ۹:۴۵ شب

بوقت تهران

به دیگران اطلاع دهید

radio7520@yahoo.com

تلفن 0044 7714611099

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

0044 208 962 2707

بربریت محتوم نیست

جنگ تروریستها میتواند آغاز یکی از خونبارترین دوره های تاریخ معاصر باشد. تا همینجا نفس در سینه صدها میلیون انسان حبس شده است. اما این دورنما محتوم نیست. صحنه به دو سوی این جدال محدود نیست. یک نیروی سوم، یک غول خفته، وجود دارد که میتواند ورق را برگرداند. این دوره میتواند، اگر این غول بیدار شود، سر آغاز تحولات مثبت و تحقق آرمانهایی در جهان باشد که بشریت در دهه های آخر قرن بیستم دیگر از آن قطع امید کرده بود. بوش و بلر و خامنه ای، آمریکا و ناتو و اسلام سیاسی، نمیدانند که واقعا یک بشریت متمدن، یک جهان متمدن، وجود دارد که ممکن است در این میان

دنیا پس از ۱۱ سپتامبر

بخش دوم:

"جهان متمدن" کجاست

منصور حکمت

برخیزد و در مقابل جنگ تروریستها از خود دفاع کند. علیرغم همه این تاریکی و وحشتی که در برابر ما مردم گرفته اند. قرن بیست و یکم میتواند قرن بربریت کاپیتالیستی نباشد. این روزهای تعیین کننده ای است. رسانه ها سیمای ایدئولوژیکی و معنوی واقعی جهان را منعکس نمیکند. روایت خود را میگویند، روایت

حاکم، روایت طبقه حاکم. روایتی که بذر دشمن میخورد. میلیتاریسم، تروریسم، راسیسم، قوم پرستی، فنانیسم مذهبی و سودپرستی، در صدر اخبارند، اما در عمق ذهن اکثریت مردم دوران ما جای محکمی ندارند. یک نگاه ساده به دنیا، نشان میدهد که توده های وسیع مردم جهان از دولتها و رسانه ها چپ ترند، نوعدوست ترند، صلح دوست ترند، مساوات



طلب ترند، آزاد ترند، آزادیخواه ترند. مردم در دو سوی این کشمکش ننگین، تمایلی به سواری دادن به سران بورژوازی ندارند. هیات حاکمه ششلول بند آمریکا فوراً متوجه میشود که علیرغم یکی از عظیم ترین جنایات تروریستی، علیرغم نمایش زنده و لحظه به لحظه از طپش

صفحه ۲

گروههای تروریست اسلامی دهها تن را در کردستان عراق با شمشیر سر بریدند

شامگاه یکشنبه ۲۳ سپتامبر (اول مهرماه) یک دسته تروریست اسلامی موسوم به "جندالاسلام" با شیخون به یک روستا در منطقه حلبچه کردستان عراق دهها تن از نیروهای مسلح اتحادیه میهنی کردستان را به قتل رساندند. اکثر کشته شدگان را تروریست های جندالاسلام ابتدا به اسارت گرفتند و سپس بطرز وحشیانه ای با شمشیر سر بریدند. به دنبال این جنایت تروریستی، نیروهای مسلح اتحادیه میهنی شامگاه دوشنبه ۲۴ سپتامبر با حمله به شهر حلبچه که در چند سال گذشته تحت تسلط باندهای اسلامی مرتجع و تروریست وابسته به جمهوری اسلامی و طالبان بوده حمله کردند و این شهر را به کنترل

خود در آوردند. باندهای اسلامی ناچار شدند از شهر حلبچه عقب بنشینند و اکنون در روستاهای مرز ایران مستقر شده و سنگر گرفته اند. روز سه شنبه ۲۵ سپتامبر یک هیات جمهوری اسلامی به شهر سلیمانیه آمده و از اتحادیه میهنی خواسته است که به خواسته اسلامیون برای تسلط مجدد بر شهر حلبچه گردن بگذارد.

صفحه ۴

بیکارسازی در ذوب آهن اصفهان!

صفحه ۴

گفتگو با آذر ماجدی رئیس رادیو انترناسیونال



بمناسبت دومین سالگرد آغاز بکار رادیو

کارگران، صدای اعتراض و مخالفت مردم را خاموش کند. گذشته این صدا را هر شب به گوش هزاران نفر از مردم ایران رسانده است.

ما توانسته ایم که توسط یک رادیوی قوی و با پوشش سراسری تحلیل ها و نظراتی را که چاپ و بیان آنها در ایران پیگرد و شکنجه و اعدام دارد، به داخل خانه های مردم ببریم. و این امر با استقبال بسیار گرم و وسیع مردم روبرو شده است. ما تلاش میکنیم تحریفات رسانه های دیگر را کنار بزنیم و حقایق پشت مسائل سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی را باز و عیان کنیم.

رادیو انترناسیونال یک رادیوی منحصر بفرد است.

صفحه ۳

هفتگی: ضمن خسته نباشید به شما و همکاران دیگران در رادیو انترناسیونال که دو سال بی وقفه و هر روز برنامه های این رادیو را تهیه و اجرا کرده اید. رادیو انترناسیونال خود را صدای آزادی، صدای حقیقت، صدای انسانیت و صدای کارگر معرفی میکنم، لطفا در مورد همین جنبه توضیحی بدهید و اینکه اینها چگونه در برنامه های رادیو خود را نشان داده اند؟

آذر ماجدی: با پخش صدای رادیو انترناسیونال ما موفق شده ایم که تا حدی سد اختناق جمهوری اسلامی را بشکنیم. جمهوری اسلامی طی دو دهه با سرکوبی خشن و خونین کوشیده است تا صدای کمونیست ها، آزادیخواهان، نیروهای سکولار و ضد مذهبی، صدای آزادیخواهی و برابری طلبی زنان، صدای حق طلبی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

دنیا پس از ۱۱ سپتامبر

افتادن یکباره قلب هزاران انسان، علیرغم ماتم و خشمی که به هرکس که وجدانش را به منفعتی نفروخته باشد دست میدهد، باز همین جامعه غربی، همین مردم هرروز مغز شویی شده، همین ها که از بام تا شام با راسیسم و بیگانه گریزی طبقه حاکمه "آموزش" میبینند، خواهان احتیاط، انصاف، عدالت و عکس العمل سنجیده میشوند. مردم خاورمیانه که چه در دنیای کثیف درون جمجمه خامنه ای ها و خاتمی ها و ملامحمد عمر ها و شیوخ ریز و درشت جنبش اسلامی، و چه در استودیوهای دولوکس سی ان ان و بی بی سی امت متعصب مسلمان و اعضای "تمدن اسلامی" تصویر میشوند، دوشادوش مردم آمریکا ماتم زده میشوند و به اعتراض بلند میشوند. فهمیدن اینکه اکثریت مردم خاورمیانه، از اسلام سیاسی متفرند، فهمیدن اینکه بخش بسیار وسیعی از مردم اروپای غربی و آمریکا از دست اجحافات دولت اسرائیل به تنگ آمده اند و با مردم محروم فلسطین سمپاتی حس میکنند، فهمیدن اینکه اکثریت این مردم خواهان لغو تحریم اقتصادی عراقند و قادرند خود را جای پدر و مادرهای دلسوخته عراقی بگذارند که کودکانشان را بیدارویی بکام مرگ میبرد، فهمیدن اینکه این توده وسیع مردم با شرف و با وجدان جهان در جنگ بوش و بن لادن، دوستان قدیمی و رقبای امروزی، با هیچیک نیستند، هوش زیادی نمیخواهد. این بشریت متمدن زیر آوار پروپاگاندا و مغزشویی و ارباب در غرب و شرق به سکوت کشیده شده، اما بروشنی میشود دید که این مزخرفات را نپذیرفته است. این یک نیروی عظیم است. میتوان به میدان بیاید. بخاطر آینده بشریت، باید به میدان بیاید.

تمام دشواری کار اینجاست. به میدان آوردن این نیروی عظیم. در جنگ تروریستها خطوط نبرد تعریف شده است، صفوف تفکیک شده، منابع و نیروها بسیج شده اند، این یک رویارویی نظامی و سیاسی و دیپلماتیک وسیع است، اما

علیرغم همه ابهامات، چهارچوب فکری و سیاسی این جنگ برای سردمداران هر دو اردوگاه روشن است. اما در اردوی ما، در اردوی بشریتی که باید جلوی این دورنمای هولناک بایستد، همه چیز مبهم است.

در این شک نیست که صف مقاومت در برابر جنگ تروریستها هم اکنون در کشورهای مختلف وسیعا شکل گرفته و فعال شده است. اما همانقدر که اسلامیت ها و آمریکا به یک تئوری و استراتژی روشن، به یک تبیین واحد و کارساز، نیاز دارند، این جنبش مردمی هم به یک پرچم فکری و سیاسی و یک سلسله اصول استراتژیکی کار ساز احتیاج دارد. جنبشهای سیاسی مختلف، بویژه در جناح چپ، خواهند کوشید به این مقاومت خط بدهند و رهبری آن را بدست بگیرند. سوال اینجاست که چه خطی به خود این "چپ" حاکم است. در بخش قبل گفتیم که در کنار عقابهای هر دو قطب، میلیتاریستهای آمریکا و فاشیستهای اسلامی، دو روایت پیچیده تر و پخته تر و "محترمانه تر" نیز در دفاع از طرفین این کشمکش وجود دارد. در کنار میلیتاریسم آمریکا کسانی هستند که فرمول جنگ مدنیت با تروریسم را جار میزنند. در کنار آدمکشهای جنبش اسلامی، کسانی هستند که تروریسم اسلامی را با "ضد-امپریالیسم" ملی-مذهبی و جهان سومی رایج دهه هفتاد توجیه میکنند. هیچیک از این تبیین ها در جنبش مقاومت مردمی نفوذ جدی ای نخواهد یافت. احزاب و گروههای راست مرکز در غرب و تتمه چپ سنتی دانشجویی-روشنفکری دهه های قبل در غرب و شرق مشتری اصلی این فرمولهای رندانه تر در تبلیغات جنگی دو طرف خواهند بود. آنچه که در سطح نظری و سیاسی میتواند جنبش بالقوه مردم پیشرو جهان را به بیراهه بکشد، بنظر من موضع پسیفستی و تلاش عبث لیبرالی برای حفظ وضع موجود (صرف ممانعت از حمله آمریکا به افغانستان) و یا برگرداندن اوضاع به وضع موجود سابق (قبل از ۱۱ سپتامبر) است. واقعه ۱۱ سپتامبر یک عمل

جنون آمیز بيمقدمه انسانهایی بریده از متن جامعه نبود. همچنانکه اقدام نظامی قریب الوقوع آمریکا چنین نیست. جهان قبل از ۱۱ سپتامبر در یک نقطه تعادل نبود، بلکه در یک سیر تحول قهقرايي قرار داشت. معضلات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی مهمی در پس این رویدادها قرار دارد. این معضلات جهان را به این سو سوق داده است. این معضلات باید پاسخ بگیرد. ۱۱ سپتامبر گوشه ای از پاسخ اسلام سیاسی به این وضع است. همچنانکه سر کار گذاشتن طالبان، تخریب بغداد، گرسنگی دادن مردم عراق، خفه کردن مردم فلسطین، بمباران بلگراد و اکنون "جنگ طولانی با تروریسم" گوشه ای از پاسخ سران سرمایه در آمریکا و اروپا به این تضادهاست. جنبش مردمی در برابر چنین اوضاعی نمیتواند یک جنبش دعوت به آرامش و "حمله به افغانستان ممنوع" باشد. آرامش و حفظ وضع موجود نه فقط عملی نیست، نه فقط تخیلی است، بلکه عادلانته نیست، آزادخواهانه نیست، کارساز نیست. جنبش مقاومت مردمی در برابر جنگ تروریستها فقط میتواند حول پاسخهای اثباتی برای معضلات سیاسی و اقتصادی گرهی عصر ما و حول یک موضع فعال نه برای حفظ وضع موجود، سازمان یابد. ما در قبال تمام معضلاتی که با این رویدادها به جلوی چشم آمده، مساله شمال و جنوب، مساله فلسطین، مساله عراق، مساله اسلام سیاسی، مساله افغانستان و ایران، مساله میلیتاریسم و قدر قدرتی آمریکا و ناتو در نظم نوین جهانی، مساله راسیسم، مساله قلعه اروپا و غیره دستور کار مستقل و پاسخهای مستقل خود را داشته ایم. این باید به دستور کار و پاسخهای جنبش مقاومت مردمی در برابر جنگ تروریستها تبدیل بشود. این فرق ماست با آرامش طلبان و پاسیفیستهایی که شکافها و تضادها و بی ثباتی دنیای قبل از ۱۱ سپتامبر را نمیبینند یا به آن بی تفاوتند. اگر ما قبل از همه این ماجراها دستوری برای تغییر جهان داشته ایم،

مبنای یک موضعگیری اصولی در شرایط حاضر نیز باید دنبال کردن همان دستور کار در این شرایط جدید باشد. ما قصد نداریم افغانستان را زیر دست باند آدمکش طالبان باقی بگذاریم، ما قصد نداریم زیر حاکمیت آمریکای دست به موشک زندگی کنیم، ما قصد نداریم اسلام سیاسی و حکومتهای اسلامی را در خاورمیانه تحمل کنیم، ما قصد نداریم به بی کشوری مردم فلسطین و سرکوب هرروزه شان رضایت بدهیم. ما تروریسم چه اسلامی و انتحاری و چه ارتشی و پاگونی نمیخواستیم، ما این فقر را در نیمی از جهان نمیپذیریم، ما برج و بارو گرداگرد اروپا نمیخواهیم، ما به راسیسم و قومپرستی گردن نمیگذاریم. نه جنایت ۱۱ سپتامبر و نه مجاهدات قریب الوقوع ناتو در هندوکش نباید از یک جنبش فعال برای تغییر جهان یک صف سلیم النفس و آرامش طلب بی انتقاد و بی وظیفه بسازد. جنبش "انساندوستانه" و صلح طلبانه پاسخ شرایط امروز نیست. اما نفوذ این جنبش بویژه بر مردم عادی جامعه غربی، بدلیل خشونت گریزی و نودوستی و همچنین محافظه کاری خودبخودی مردم، بسیار وسیع است. چنین موضعی دخالت آمریکا در افغانستان را محکوم میکند، اما در قبال حاکمیت طالبان از خود سلب مسئولیت میکند. تحریک علیه مسلمانان و راسیسم را محکوم میکند، اما دلیلی برای اعمال فشار به اسرائیل و آمریکا به نفع مردم فلسطین نمیبیند. این موضع برای جک استرا در سفرش آرزوی موفقیت میکند تا شاید این قطب تروریسم اسلامی را آرام و رام کند، هرچند حاکمیت این گرگها بر مردم ایران را تحکیم میکند، این موضع از حقوق مدنی مردم مسلمان در کشورهای غربی دفاع میکند، اما برای رفع تشنج، انتقاد به حجاب اسلامی و بیحقوقی زنان در اسلامی و محیط اسلامی را مردود میشمرد و مانع میشود. این موضع همه را به ترک صحنه و رها کردن اوضاع به همانصورت که قبلا بود فرا میخواند. اگر این جنبش بر ذهنیت و عمل مردم ناراضی غلیبه پیدا کند بشریت متمدن

صحنه را برای تروریستهای غربی و شرقی خالی خواهد گذاشت. اگر آینده ای بخواهد وجود داشته باشد، پیدایش یک خط مشی فعال، آزادیخواهانه و پیشرو در جلوی صف مردم است. این کار کمونیستهاست. مارکس. این کار ماست. در بخش بعد به رئوس اصلی یک خط مشی فعال در برابر جنگ تروریستها خواهیم پرداخت. اما لازم است به اختصار به فوری ترین مساله ای که این روزها مطرح است یعنی حمله قریب الوقوع آمریکا به افغانستان اشاره ای بکنم. ۹۹ درصد مردم جهان میدانند و میتوانند بروشنی توضیح بدهند که چرا حمله نظامی آمریکا به افغانستان و حتی دستگیری و یا کشتن بن لادن، که هدف اعلام شده این عملیات است و از نظر فنی بنظر بسیار نامحتمل میرسد، نه فقط خطرات تروریسم اسلامی علیه آمریکا و انگلستان را کاهش نمیدهد، بلکه ریسک عملیات بعدی را بشدت افزایش میدهد. کاملا مشهود است که خود دولتهای آمریکا و انگلستان به این مساله واقفند. تبیین رسمی غرب از مساله در چهارچوب تبیین های هالیوودی و جیمزباندی ای قرار میگیرد که ظاهرا اینها خوراندن آن به مردم را ساده تر و سریع تر ارزیابی میکنند. میلیونر و یا گانگستر دیوانه ای در گوشه پرتی از جهان قصد نابودی مدنیت را دارد، صدام، میلوسویچ، بن لادن، و قهرمانهای آمریکایی برای نجات بشریت عازم میشوند. اما تحلیلهای خودشان نشان میدهد که اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی یک مفر مرکزی و یک فرماندهی واحد و یک سازمان هرمی ندارد، یک حرکت بین المللی متشکل از سلولها و سازمانها و شبکه ها و محافل دولتی است که در یک سلسله روابط رسمی و غیر رسمی، بصورت یک جنبش زیر زمینی، با ابتکارات وسیع در سطح محلی، بهم بافته شده است. ورود به افغانستان برای غرب شروع یک کمپین نظامی و سیاسی وسیعتر است. دستگیری یا قتل بن لادن تبعاً این نتیجه را دارد که در صحنه داخلی آمریکا از



فوریت اقدامات نظامی بعدی کم کند و مصداقی برای "انتقام آمریکا" باشد که میتواند فضای داخلی آمریکا را تا حمله تروریستی بعدی اسلاميون، فقط تا انموقع، آرام کند. اما، این قدم کوچکی در یک حرکت سیاسی و نظامی وسیع تر در خاورمیانه است که دامنه نهایی آن هنوز اعلام نشده است. در تحلیل نهایی این یک زورآزمایی با اسلام سیاسی است. یعنی جنبش ارتجاعی ای که غرب خود در حاشیه جوامع خاورمیانه پیدا کرد و برای مقابله با چپ در سرمایه داری های نوظهور این کشورها و فشار به بلوک شرق به جلوی صحنه کشید. این زورآزمایی میتواند محدود بماند، اما مخصوص بدلیل خصلت غیر متمرکز و افراطی اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی، به احتمال قوی به یک تعیین تکلیف بنیادی تر خواهد کشید. اسلام سیاسی بدون حمایت غرب در خاورمیانه ماندنی نیست. تا همینجا بالاگرفتن نبرد سکولاریستها و اسلاميون در پاکستان و حال آمدن بیکر نمبه جان خاتمیون در ایران و اوجگیری مجدد کشمکش جناحها، حاکی از این است که نبرد غرب با اسلام سیاسی میتواند چاشنی تغییرات جدی ای در تناسب قوای فراکسیونهای بورژوازی در این کشورها به زیان اسلاميون باشد. در قبال نفس حمله آمریکا به افغانستان چه میتوان گفت. آیا "دستها از افغانستان کوتاه!" یک موضع اصولی و پیشروست؟ مردم افغانستان و اپوزیسیون آن جز این بشما خواهند گفت. افق سقوط طالبان، یک باند آدمکش و دلال بزرگ مواد مخدر نیروهای سیاسی افغانستان را به تحرک خوشبینانه ای کشانده است. خواست سرنگونی طالبان یک خواست انسانی و پیشروست.

نباید اجازه داد مخالفت درست و اصولی با میلیتاریسم آمریکا به رها کردن افغانستان زیر دست طالبان معنی شود. این یکی از نمونه های زنده ناکافی بودن و نادرست بودن آرامش طلبی و دفاع از وضع موجود است. مردم افغانستان یک عمر منتظر روز سقوط طالبان بوده اند. واقعیت اینست که آمریکا برای رهایی افغانستان وارد این کشور نمیشود. اینها طالبان را سرکار آورده اند. اینبار ممکن است تضعیفش کنند، اما بطور دوفاکتو موجودیتش را بپذیرند. به مشرف قول داده اند حکومت بعدی افغانستان همچنان باب میل پاکستان باشد. قرار است جانورانی را بردارند و از همان قماش کسان دیگری را بگذارند. موضع اصولی شرکت دوشادوش اپوزیسیون پیشرو و مردم افغانستان برای سرنگونی طالبان در متن شرایط کنونی و برقراری یک دولت منتخب مردم در این کشور است. باید این را به غرب و آمریکا و سازمان ملل تحمیل کرد. هرنوع حمله نیروهای آمریکا و موثلفین آن و به مردم غیر نظامی افغانستان و تخریب شهرها و روستاها و زیرساختها و وسایل مادی زندگی شان باید محکوم بشود. هرنوع بند و بست میان آمریکا و پاکستان و ایران و سایر دول برای حقنه کردن یک دارو دسته دیگر بر مردم افغانستان محکوم است. اما سرنگونی طالبان توسط ارتشهای خارجی بخودی خود محکوم نیست. طالبان یک دولت مشروع در افغانستان نیست. باید سرنگون بشود. مساله بر سر دولتی است که بجای آن مینشیند و تضمین آزادی و امکان عملی دخالت مردم افغانستان در تعیین نظام سیاسی این کشور. (ادامه دارد)

انجمن مارکس لندن

شنبه ۶ اکتبر - ۱۲ تا ۵ بعد ازظهر

انقلاب روسیه ۱۹۱۷-۱۹۲۷ بررسی تحلیلی
جلسه دوم: انقلاب فوریه، از فوریه تا اکتبر، قیام اکتبر

کوروش مدرسی

آدرس: لندن

The Lucas Arms

245a Gray's Inn Road - London WC1X 8QZ

ایستگاه Kings Cross

Tel: 0773 026 4611 Fax: 0870 133 4206

گفتگو با آذر ماجدی

از صفحه ۱

آذر ماجدی: بنظر من شکستن نسبی فضای اختناق در ایران یکی از تاثیرات بلافاصله و مهم سیاسی رادیو انترناسیونال است. همانطور که گفتیم رادیو انترناسیونال تحلیل ها، نظرات و تبلیغاتی را که اظهار علنی و یا چاپ و توزیع آن در ایران به درون خانه های مردم میرسد. رادیو انترناسیونال به شکل گیری، انسجام و سازمانیابی نیروی سوم در حیات سیاسی جامعه ایران کمک میکند و به تربیون این جنبش بدل شده است. نظرات و نقد رادیکال، چپ و سوسیالیستی را بیان میکند. رادیو انترناسیونال در نقد و افشای جریان موسوم به دو خرداد نقشی مهم و اساسی بازی کرد. به شکل گیری یک جنبش کمونیستی دانشجویی کمک رسانده است. صدای جنبش کارگری را به تمام کارگران ایران میرساند. به تربیون جنبش برابری طلبی زنان بدل شده است. اینها تاثیرات عمومی رادیو انترناسیونال بر فضای سیاسی ایران است.

هفتگی: آیا جمهوری اسلامی به توجه وسیع مردم به رادیو انترناسیونال عکس العملی نشان داده است؟

آذر ماجدی: بله. الان مدتی است که جمهوری اسلامی بر روی رادیو انترناسیونال پارازیت گذاشته است. البته این پارازیت مزاحمت هایی ایجاد میکند ولی از آنجا که رادیو بسیار قوی است نمیتواند کاملا صدای ما را بپوشاند.

هفتگی: گویا یکی از نیازها و در خواسته های مکرر شنوندگان رادیو افزایش وقت برنامه های رادیو است، در این مورد نظراتان چیست؟ آیا برنامه های رادیو به روال فعلی ادامه خواهد یافت؟

آذر ماجدی: شنوندگان ما از همان ابتدا خواهان افزایش ساعت برنامه ها بودند. ما ابتدا فقط بمدت نیم ساعت در روز برنامه

یک رادیو آلترناتیو و چپ که کاملاً با رادیوهای فارسی زبان موجود فرق میکند. رسانه های موجود یا به یک دولت معین وابسته اند و یا به خبرگزاریهای بزرگ بین المللی، تحیل ها و تفسیرها و حتی گزارش های خبری که توسط این رسانه ها منعکس میشود تحت تاثیر این منافع است، و در جهت تحقق این منافع تهیه میشوند. منافع ما اما، منافع مردم، منافع کارگران و هدف ما آزادی و برابری است. برنامه های ما این اهداف و منافع را منعکس میکند.

بطور مثال ما برنامه هایی ویژه مسائل کارگری داریم که در آن به تحلیل و بررسی جنبش و مسائل کارگری میپردازیم. ما بطور مبسوط گزارش مبارزات کارگری و حمایت بین المللی که توسط کمپین های مختلف حزب کمونیست کارگری از مبارزات و مطالبات کارگران ایران جلب شده را در رادیو منعکس میکنیم. بطور روتین به مسائل زنان و معضلات زنان، و به جنبش برابری طلبی زنان در ایران میپردازیم. اپارتاید جنسی و بیحقوقی زنان در ایران را افشاء میکنیم. درباره نقش مذهب، سنن و فرهنگ حاکم و مناسبات سرمایه دارانه در ستمشکنی زن به بحث میپردازیم. مطالبات مترقی و پیشرو برای رهایی و برابری زنان را مطرح میکنیم.

درباره مسائل حاد روز به بحث میپردازیم و نظرات گرایشهای مختلف سیاسی را نقد و بررسی میکنیم. در مورد مسائل مهم انسانی و حقوق مدنی، از قبیل لغو مجازات اعدام، آزادی بی قید و شرط بیان و سیاسی، قانون کار مترقی و پیشرو، یک سیستم رفاه اجتماعی پیشرو و عدالانه، و امثالهم بحث میکنیم. درباره حقوق پناهندگان و پناهندگی و وضعیت پناهجویان صحبت میکنیم. به مسائل و معضلات جوانان و جنبش دانشجویی میپردازیم.

بعلاوه، یک رکن مهم دائمی و روتین برنامه های رادیو انترناسیونال آموزش مارکسیسم است. رادیو انترناسیونال برای اولین بار یک مدرسه مارکسیستی دایر کرده است که هزاران نفر به آن دسترسی دارند و از آن استفاده میکنند.

هفتگی: ارزیابی شما از تاثیرات این رادیو بر فضای سیاسی جامعه ایران چیست؟

پخش میکردیم. از سال گذشته آنرا به ۴۵ دقیقه افزایش دادیم. برنامه مان اینست که آنرا به یکساعت برسانیم. ولی مشکلات مالی فعلاً مانع این کار است. در تلاشیم که این مانع را برطرف کنیم و امید داریم که بتوانیم در آینده نزدیک برنامه ها را به یکساعت، و حتی دو ساعت در روز افزایش بدهیم.

هفتگی: چه انتظارات و توقعاتی از شنوندگان رادیو انترناسیونال دارید؟

آذر ماجدی: ما هر روز از طریق رادیو شنوندگان عزیز رادیو انترناسیونال را به تماس با رادیو دعوت میکنیم. من از این فرصت هم استفاده میکنم و از دوستداران رادیو انترناسیونال میخواهم که با ما تماس بگیرند. ما را از نظراتشان مطلع کنند و بما گزارش بدهند. این تماس ها بما کمک میکند که تصویر بهتر و نزدیکتری از خواستهها و انتظارات مردم بدست آوریم و بتوانیم آنرا در رادیو منعکس کنیم.

میدانیم که هزینه بالای تلفن از ایران مانع از اینست که بسیاری از شنوندگان ما بتوانند به ما زنگ بزنند، این دوستان میتوانند به پیغامگیر ما زنگ بزنند و یک پیام یکی دو دقیقه ای بگذارند. و اگر به فکس و اینترنت دسترسی دارند از این طریق با ما تماس بگیرند. دوستان عزیز که در خارج کشور زندگی میکنند را هم من اینجا به تماس فعال با رادیو و حمایت از همکاری با رادیو انترناسیونال دعوت میکنم. رادیو انترناسیونال صدای آزادی و برابری است، صدای شماس.

شماره های تلفن تماس با رادیو:
۰۰۴۴ ۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰ ۹۹

پیغامگیر:

۰۰۴۴ ۲۷۰ ۹۶۲ ۲۰۸

شماره مستقیم آذر ماجدی:

۰۰۴۴ ۷۷۶ ۵۲۳ ۵۰ ۱۷

فکس: ۰۰۴۴ ۸۷۰ ۱۲۹ ۶۸۵۸

آدرس ایمیل:

radio7520@yahoo.com

www.radio-international.org

سومین کنفرانس مدوسا

۲۶ تا ۲۸ اکتبر ۲۰۰۱ در لس آنجلس، آمریکا

شهره آغداشلو، مینا احدی، مهناز افخمی، الهه امانی، هما سرشار، نهضت
فرنودی، اعظم کم گوین، آذر ماجدی، آذر نقیسی، پرتو نوری علاء

علاقتمندان شرکت در کنفرانس میتوانند از طریق زیر با ما تماس بگیرند.

تلفن: ۰۰۴۴ ۷۷۶ ۵۲۳ ۵۰ ۱۷

فکس: ۰۰۴۴ ۸۷۰ ۱۲۵ ۸۳ ۸۵

ای میل: azarmajedi@yahoo.com

بیکارسازی در ذوب آهن اصفهان!

مصطفی صابر mosaber@yahoo.com



صنعت نساجی، صنایع فولاد، صنایع تولید قند و لوازم خانگی و ساختمان محدود نخواهد بود. صنعت نفت که مدتهاست جمهوری اسلامی "طرح اصلاح ساختار" آنرا با احتیاط پیش میبرد، در صدر لیست بیکارسازی قرار دارد.

در مقابل بیکارسازیها باید ایستاد و اعتراض کرد. بویژه کارگران ذوب آهن و نساجی های اصفهان میتوانند نقش مهمی در این زمینه داشته باشند. حرکات متحد کارگران ذوب آهن و نساجی ها علیه اخراج و بیکارسازی میتوانند اصفهان را به یک قطب مهم اعتراض کارگری تبدیل کند و شیپور دور جدیدی از دخالنگری طبقه کارگر ایران در اوضاع سیاسی فعلی را به صدا درآورد. این دخالنگری حائز اهمیت فوق العاده ای است. مساله هم فقط بر سر اخراج و بیکارسازی نیست (گرچه اعتراض میتواند حول آن شکل بگیرد). مساله آینده کل جامعه ایران است. مساله بر سر تعیین تکلیف با رژیم اسلامی و سرمایه داری حاکم بر ایران است. آیا وقایع اخیر، جنگ جهانی که تروریسم دولتی غرب و تروریسم دول و جریانات اسلامی راه انداخته اند قرار است به تحکیم جمهوری اسلامی بینجامد؟ آیا قرار است که زندگی و حقوق مردم و بویژه کارگران در این اوضاع زیر دست و پا له تر شود؟ آیا کارگران با درک اوضاع سیاسی در پیشاپیش مردم به جان آمده برای نجات خود و جامعه ایران به میدان خواهند آمد؟

دورخیز جمهوری اسلامی برای بیکارسازیهای وسیعتر تنها گوشه ای از حملاتی است که رژیم اسلامی سرمایه داران برای حفظ و بقا خود در دستور دارد. کارگران باید تصمیم بگیرند!

است. اول اینکه برخی مدیران قبلی با افتضاح و زیر فشار اعتراض کارگران ذوب آهن (که سابقه طولانی در اعتراض به اخراج دارند) مجبور به ترک کارخانه شده اند. دوم اینکه همین سرنوشت احتمالا در انتظار مدیر بعدی خواهد بود. حرفهای دیگر "محمدرضا فرقدانی" این برداشت را تایید میکند. او صراحتا از "کاهش پرسنل" خبرداد و البته از ترس کارگران بلافاصله اضافه کرد: "کاهش به منزله اخراج نیست و این بعد از ایجاد کار و از روی عقل و تدبیر و مشورت انجام خواهد شد." بازهم همان حرفهای چرت. وقتی این حرفها را کنار سخنان مهندس موزن زاده، از مقامات صنایع فولاد قرار دهیم که قبل از رئیس ذوب آهن صحبت کرد، متوجه میشویم که طرح بیکارسازی در صنایع فولاد یک طرح وسیعتر است که برای پیشبرد آن اول میخواهند از ذوب آهن شروع کنند. وی بعد از ارائه آمار و ارقامی نظیر "ظرفیت تولید فولاد جهان ۹۵۰ میلیون تن است ولی اکنون ۸۵۰ میلیون تولید میشود و فقط ۸۰۰ میلیون آن مصرف میگردد" (یعنی اینکه با اضافه تولید جهانی روبرو هستیم) خطاب به کارگران ذوب آهن گفت: "سازمان شما یک سازمان پیر است که تناسبی با سیاستهای روز دنیا ندارد و حرکت در این جهت (یعنی "کاهش پرسنل" و کاهش قیمت تولید به منظور مقابله با رقبا) قدمی است که باید برداشته شود!"

بدین ترتیب جمهوری اسلامی شمشیر بیکارسازیها را از رو بسته است. مدتی بود که رژیم اسلامی مترصد این بود و حالا اوضاع ملتهب بعد از جنایتیهای ۱۱ سپتامبر این فرصت را در اختیار او قرار داده است. باید توجه داشت که بیکارسازیها به

دو هفته قبل ما در صفحات این نشریه هشدار دادیم که بیکارسازی در صنعت نساجی وسیع تر خواهد شد و دامن صنایع فولاد را هم خواهد گرفت. این هفته شواهد مسلم این امر از سوی دولت اسلامی ایران اعلام شد.

در مورد نساجی ها کافی است به مصوبه این سه شنبه مجلس تحت عنوان "حمایت از بازسازی و نوسازی صنایع نساجی کشور" توجه کنیم. در بند (د) این لایحه عنوان شده است: "نیروی انسانی ملازاد واحدهای مشمول این قانون با پیشنهاد مدیر واحد و با تایید کمیته ای متشکل از نمایندگان وزارتخانه های صنایع و معادن، کار و امور اجتماعی و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور مشمول تعدیل گردیده و در مقابل پرداخت حقوق مقرر در قانون کار بازخرد میگردد" (نقل از نوروز ۴ مهر ماه). معنی این کلمات اینست که جمهوری اسلامی در پی تاکتیک تعویق دستمزدها حالا رسماً و علناً تحت عنوان "تعدیل نیروی ملازاد انسانی" به بیکارسازی کارگران خواهد پرداخت. آن کلمه "بازخرد" و عبارت "درمقابل پرداخت حقوق مقرر در قانون کار" نیز هر کارگری میداند که چرت است. اگر قانون کار و بیمه بیکاری جمهوری اسلامی واقعا حقوقی برای کارگران در بر داشت که از دست دادن شغل به معنی جهنم روی زمین برای کارگر نبود.

و در مورد صنایع فولاد، در همین هفته هنگام تودیع رئیس کارخانه ذوب آهن اصفهان که در حضور مقامات وزارت صنایع و همینطور کارکنان ذوب آهن برگزار شد، "محمدرضا فرقدانی" رئیس قبلی، حرفهای بسیار معنی داری زد. وی گفت "خوشحالم از اینکه با اراده خود و در شرایط آبرومندانه ذوب آهن را ترک میکنم". اشاره او به دو چیز

گروههای تروریست اسلامی ...

انفجار، جو خفقان اسلامی بر جامعه تحمیل کنند. پرونده جنایات اینها لیست طولی از ترور گسترده زنان، ترور آزادیخواهان و کمونیست ها و فعالین اپوزیسیون جمهوری اسلامی، صدور فتوای قتل، انفجار آرایشگاههای زنانه و کتابفروشی ها و غیره را شامل میشود. علاوه بر این جنایات تروریستی، درگیری های مسلحانه بانداهای اسلامی با احزاب حاکم کردستان عراق بر سر مناطق نفوذ، تلفات و خسارات زیادی برای مردم بیار آورده است. هر دو حزب حاکم کردستان عراق با وجود کشمکش های متناوب با دارودسته های اسلامی بر سر تقسیم قدرت، عملاً آنها را در قدرت شرکت دادند، سالها به تسلط یگانه آنها بر حلبچه و سیدصادق و نواحی مجاور و برقراری یک خفقان کامل اسلامی بر این مناطق مهر تایید زدند، در برابر نفرت و نارضایتی وسیع مردم و آزادیخواهان و بویژه حزب کمونیست کارگری عراق از آنها حمایت کردند و دست شان را در همه جنایات تروریستی و ایجاد فضای ترور و خفقان در جامعه باز گذاشتند. مردم

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۶ سپتامبر ۲۰۰۱
۴ مهرماه ۱۳۸۰

اصغر کریمی رئیس دفتر سیاسی 0044-771 4097928
آذر مدرسی دبیر کمیته خارج 0049-172 7823746
رحمان حسین زاده-دبیر کمیته کردستان:
0046-739 855 837

مریم نمازی: روابط عمومی حزب
Tel: 00447719166731 - Fax: 00448701351303

شهلا دانشفر: دبیر خانه حزب 00447950517465
هاله طاهری، مسئول دبیرخانه کمیته کردستان:
0046 73 61 62 211
بهروز مدرسی - دبیر سازمان جوانان کمونیست:
0049172 295 7603

انترناسیونال هفتگی را در ایران
و خارج تکثیر و پخش کنید

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت
www.wpiran.org
www.wpibriefing.com
www.rowzane.com
www.hambastegi.org
www.childrenfirstinternational.org
www.jawanan.org
www.iwsolidarity.com
www.medusa2000.com
www.marxsociety.com
www.kvwpiran.org

Bank Account:
Z.I. Konto:
520 5164 008
BLZ: 10090000
Beliner Volksbank
Germany

Website:
www.haftegi.com
Email:
haftegi@yahoo.com
Fax: 0044-8701207768

Address:
BM Box 8927
London
WC1N 3XX
England